

سینما در خدمت مبارزات استرالیایی

صنعت سینمای استرالیا با کمک یکی از بهترین فیلمسازان خود به‌دنبال آن است تا بخش بسیار مهمی از تاریخ گذشته خود و عملیات انقلابی مردم این کشور را روی پرده سینماها منتقل کند.



اورلیک تورنتون از سوی منتقدان سینمایی در استرالیا لقب یکی از پیشگامان اصلی و محوری سینمای کشور را گرفته که در تداک کارگردانی درام تاریخی دوره‌ای «اولین شوالیه» است. این درام حماسی درباره پولووی یکی از مبارزان افسانه‌ای تاریخ استرالیاست که چند قرن قبل جنبش مقاومت قوم ابروجینال در این کشور را سازماندهی کرد. فیلمنامه اصیل و غیراقتباسی اولین شوالیه را خود

تورنتون نوشته است.

استرالیا او‌خر قرن هفدهم مستعمره بریتانیای کبیر بود و ارتش این کشور همواره به دولت‌های دست‌نشانده کاخ سلطنتی بریتانیا کمک می‌کرد تا اوضاع را در این مستعمره ثروتمند کنترل کرده و از وقوع انقلاب علیه سلطنت بریتانیا و خاندان حاکم آن جلوگیری کند. این در شرایطی بود که بومیان استرالیا از ابتدای ترین حقوق اولیه زندگی محروم بوده و به‌عنوان برده در خدمت قدرتمندان بریتانیایی بودند. با افزایش ظلم و ستم، بومیان استرالیایی مجبور به اعتراض و قیام شدند و برای ۱۲ سال، این جنبش اعتراضی و انقلابی علیه اشغالگران بریتانیایی ادامه داشت.



پولووی رهبری این شورش عظیم مردمی را به عهده گرفت و در کنار مبارزه با اشغالگران به بسیاری از بومی‌ها کمک کرد تا در زمین‌هایشان مستقر شده و زندگی کنند. تورنتون برای نوشتن فیلمنامه از همراهی مؤثر جان بل، نویسنده استرالیایی‌برخوردار بود. بل خودش از ساکنان مکانی است که دو قوم قدیمی کشور، یعنی ملت دوراگ و ملت گومری در آن زیست می‌کنند و خودش را یکی از آنان می‌داند. فیلیپ نویس، فیلمساز سرشناس استرالیایی که فیلم‌های موفقی را در اروپا و آمریکا کارگردانی کرده، مشاور کارگردان و یکی از تهیه‌کنندگان فیلم است.

سام وورتنینگتن و جیسون کلارک دو بازیگر استرالیایی‌تبار که شهرتی بین‌المللی دارند، دو نقش مهم داستان فیلم را بازی می‌کنند و گفته می‌شود این دو قرار است در قالب دو کاراکتر نظامی بریتانیایی ظاهر شوند.

کار انتخاب بازیگر دو کاراکتر محوری و اصلی فیلم پولووی و بنه لونگ ادامه دارد و قرار است نقش آنها به دو نابازیگر از اهالی بومی استرالیا داده شود. بنه لوگ یکی از رزمندگان راه‌آزادی استرالیاست که عاقبتی نامعلوم پیدا کرد. او‌امور مذاکره با نیروهای بریتانیایی برای امضای قرارداد صلح و خروج ارتش بریتانیا از خاک استرالیا بود که توسط آرتور فیلیپ فرماندار وقت استرالیا رپوده شد. به گفته تورنتون: «داستان این افراد و قیام بزرگ بومیان برای کسب استقلال و آزادی، چیزی است که باید در قاب تصویر ضبط شده و برای عموم مردم استرالیا و بقیه کشورهای دنیا به نمایش درآید.»

هفته سینمای تاجیکستان با عنوان «قدردانی از هنر اصیل» با حضور جمعی از هنرمندان و علاقه‌مندان عرصه سینما در سالن مؤسسه تاجیک‌فیلم آغاز به کار کرد. روز اول این جشنواره به نام «روز سینمای ایران» و با پخش فیلم «هوک» به کارگردانی حسین ریگی افتتاح شد. علیرضا حقیقیان، سفیر کشورمان در تاجیکستان در مراسم افتتاحیه این جشنواره در صحبت‌های خود وجود اشتراکات عمیق زبانی،

برگزاری هفته سینمای ایران در تاجیکستان

اول این‌که قرار نبود دیگر برای هر انشا و اسلا‌ی پرغلطی که ادعای فیلم و سینما دارد نقد بنویسم، چون به‌نوعی مطرح‌کردن سیاه‌مشق‌های از رده خارج است، ولی به هر صورت، دنیای امروز شده جهان پرغلط‌ها تا آدم‌ها یادشان برود که درست چیست و غلط کجاست!



سعیدمستفانی مستندسازو کارشناس سینما

دوم این‌که «دانه انجیر معابد» در همان لحظه اول،

اولین خالی‌بندی خود را به خورد مخاطب می‌دهد تا قابلیت‌های نداشته خود برای جذب او را به‌نوعی جبران کند. چنانچه بانمایشش آرم رسمی جشنواره‌کن، ادعا می‌کند که برنده جایزه ویژه هیأت داوران شده. در حالی‌که هیأت‌داوران جشنواره‌کن ۲۰۲۴ هیچ جایزه‌ای از طرف خود به اثر محمد رسول اف نداد و جایزه ویژه هیأت داوران به فیلم «امیلیا پرز» ساخته ژاک اودیار رسید. ماجرای جایزه دانه انجیر معابد که عنوان جایزه ویژه را داشت (و نه جایزه ویژه هیأت داوران که اگر به وبسایت رسمی خود جشنواره هم مراجعه کنید، آن را مشاهده می‌کنید) جایزه‌ای عجیب‌وغریب و خلق‌الساعه بود که وقتی تی‌تری فرهوده (مدیر هنری جشنواره) متوجه شد، هیأت داوران هیچ جایزه‌ای را برای رسول‌اف در نظر نگرفته و همه هزینه‌ای که جشنواره برای خرید شواف‌های عقب‌افتاده رسول‌اف پرداخت کرده، عتقریب است که به هوارود. ناگهان از آستین خود جایزه‌ای تازه و نوپدید بیرون کشید به نام «جایزه ویژه»، و آن را به رسول‌اف داد و از قضا در کنفرانس مطبوعاتی هیأت‌داوران هم گرتاگوویک رئیس آن گفت که این جایزه برای هزینه‌هایی که رسول اف کرده به او داده شد، نه برای فیلمش! سوم این‌که قصد ندارم در این نوشته به محتوای فیلم و اغلاط بسیار فاجعه‌بار آن بپردازم که خود جای دیگری را می‌طلبد، خصوصا موارد بسیار روشن و واضحی که شاید هر فرد عامی هم بداند: فی‌المثل این‌که در هیچ کجا بازیس یا امضای کثیرخواست، حکم نمی‌دهد که به‌دلاگه تجدیدنظر و اعاده‌داد‌خواست نیاز باشد. این فقره مربوط به دادگاه است، نه بازیس! پس از همه این محتوای مغشوش و مغلوط عبور می‌کنم و تنها به ساختار سینمایی اثر (اگر داشته باشد!) می‌پردازم و این مهم که آیا اساسا دانه انجیر معابد سینما و فیلم هست یا خیر؟!

اثری که از نیمه شروع شد

اما دانه انجیر معابد همچنان که در جشنواره هم حوصله تماشاگران را سر برد و بسیاری از منتقدان و نویسندگان از طولانی‌بودن آن خسته شده و پیشنهاد تدوین دوباره آن را دادند، ۱۶۶ دقیقه است! یعنی دو ساعت و ۴۶ دقیقه، اما تقریبا در دقیقه ۸۰ تازه شروع می‌شود و در یک مقدمه طولانی و کسالت‌بار تا یک‌ساعت و ۲۰ دقیقه، شاهد اتفاق مهمی نیستم! چون خیلی سریع قصه یک خطی آن را متوجه می‌شویم؛ ماجرای ایمان یک بازیس داسرا که تازه ارتقای رتبه گرفته و قرار است بزودی قاضی شود و حالا باید خانواده‌اش با این موضوع هماهنگ شوند! به‌جز این یک خط، در آن ۸۰ دقیقه شاهد انواع و اقسام صحنه‌های بی‌ربط و کشدار هستیم؛ از جمله خیاطی رفتن دختران ایمان و جریان زیرآبرو برداشتن و آرایش (آن هم در یک نماپردازی پرغلط و آماتوری) و سکانس طولانی مهمانی برای دوست شهرستانی آنها و صحبت از دوست پسرش و فرستاندن قلب قرمز و سفید و... و صحبت‌های طولانی نیمه (همسر ایمان) در اتاق خواب و بیرون آن و... تا بالاخره در دقیقه ۸۱ صحبت مفقود شدن اسلحه ایمان به میان آمده و تقریبا از همین لحظه و ظن به دختران خانواده، تماشاگر حرفه‌ای به‌راحتی می‌تواند حدس بزند که انتهای فیلم با شلیک یکی از دختران به پدرش به پایان می‌رسد!

فرهنگی، تاریخی و تمدنی را ظرفیت فراوانی برای همکاری بین هنرمندان دو کشور دانست و تصریح کرد: هنرمندان عرصه سینما می‌توانند از لایه‌لای متون تاریخ مشترک، فهرست بلندی از بزرگان، عالمان و مفاخر عالمگیر پارسی‌گورا تهیه و زندگی و آثار ماندگار آنها را برای نسل‌های فعلی و آینده تصویر کنند و از این راه ضمن حفاظت و حراست از این سرمایه عظیم مشترک، مانع از مصادره آنها توسط دیگران شوند. در

اسپار تاکوس های پوشالی

«دانه انجیر معابد» آن قدر پر از اغلاط سینمایی است که نمی‌توان آن را در حد و مرز یک فیلم بررسی کرد

از برخورد گشت ارشاد مربوط به قبل از اتفاقات یادشده که حتی یکی از آنها بنا به تصریح یلدا معیری(که عکاس اغتشاشات سال ۱۳۹۶ بود و حتی برای آن جایزه گرفت!) مربوط به مانور گشت ارشاد است و نه عملیات واقعی! در کنار تصویر برخورد یک زن با مأموری در جلوی فروشگاه‌ی که ربطی به جریان‌ات فوق نداشت و بعد تصویر مسمومیت یکی از دانش‌آموزان دختر که در چهار سال بعد اتفاق افتاد و بالاخره مجموعه‌ای از تصاویر در بدترین نوع نمایش که اصلا معلوم نیست کی به کی است؟! هرازچند گاهی در نیمه اول فیلم شاهد این نوع تصاویر بی‌ربط و نامشخص هستیم که فقط از آه و ناله دختران بازیس که تصاویر را می‌بینند متوجه می‌شویم گویا در عکس‌ها اتفاقی افتاده، چون از خود تصاویر که چیزی معلوم نیست! البته همه آنها مربوط به نیمه نخست و تا همان دقیقه ۸۰ است و بعد از آن ورود به کانال‌های دیگر اثر رسول اف، همه آن ماجراها به فراموشی سپرده می‌شود.

اسپار تاکوس ها وارد می‌شوند

اما شاید به نظر سازندگان دانه انجیر معابد، صحنه‌ای که بازیس یعنی ایمان در خانه قدیمی روستایی‌شان در حال بازجویی خانواده‌اش است، اصلی‌ترین لحظات اثر باشد، صحنه‌ای که از قضا کمیک‌ترین بخش، از آب درآید! بازیس می‌خواهد خانواده‌اش اعتراف به دزدیدن اسلحه‌کنند و حالا هر کدام از اعضای خانواده هم می‌خواهد فداکاری کرده و خود ماجرا را به گردن

برش

حداقل برای شواف‌سازی، کمی فیلم بین

دانه انجیر معابد بیشتر ۱۶۶ دقیقه خود را در فضا‌های بسته طی کرده که حتی تماشاگر پرحوصله را کلافه می‌سازد. نه این‌که فضای بسته باعث خراب‌شدن فضای یک فیلم شود، خیر! چه بسیار آثار برجسته تاریخ سینما بوده‌اند که تماماً در یک اتاق گرفته شدند اما یقه تماشاگر را تا لحظه آخر رها نکردند. مثالش فیلم «خاطرات آن فرانک» جورج استیونس در سال ۱۹۵۹ که سه ساعت فیلم در زیر یک شیروانی می‌گذرد و در طول این سه ساعت، دوربین از زیر آن شیروانی بیرون نمی‌رود و تنها برخی وقایع را از پنجره‌های همان شیروانی به نظاره می‌نشیند، اما همه وقایع جذاب پیرامون پنهان‌شدن یک دختر نوجوان و خانواده‌اش در دو، سه سال از دوران جنگ جهانی دوم را روایت می‌کند. آنچنان پر از فراز و نشیب و معملاز درام و تراژدی و عشق و دوستی... در آن شرایط خشن جنگی که وقتی تمام می‌شود اصلا تماشاگر احساس نکرده، حدود سه ساعت ساکت و آرام، فیلم تماشا کرده است. برخی از دیگر فیلم‌ها مانند «مرگ و دوشیزه» و «همین‌طور» «کشتر» «رومن پولانسکی با تعداد محدودی کاراکتر فقط در یک اتاق با «جهنم در اقیانوس آرام» جان بورمن یا «دورافتاده» رابرت زمکیس که با یکی دو کاراکتر در یک مکان محدود روایت می‌شوند. بد نیست جناب رسول اف به جای شواف‌هایی که اجرامی‌کند، تعدادی از این فیلم‌ها را ببیند و کمی سینما یاد بگیرد و باور کند با زیان سینما، بهتر و مؤثرتر می‌تواند بیانیه‌هایش را هم به خورد مخاطب بدهد. همان‌طور که سال‌هاست هالیوود همین کار را انجام داده است!

رویداد

۸۵ اثر در چهاردهمین جشنواره فیلم‌های ورزشی

پس از بازیسینی ۲۶۰ اثر ایرانی در ۷ بخش سینمایی، ۱۶ اثر در بخش ماهنگ و تیزر، ۹ اثر در بخش یوبانمایی (نیمیشن) و ۸ اثر در بخش داستانی کوتاه به بخش مسابقه راه پیدا کردند.

در هیأت انتخاب جشنواره که جلسات آن به ریاست علی روبین‌تن، کارگردان سینما برگزار شد، محسن علی‌اکبری تهیه‌کننده سینما، بهمن حبشی مدیر سینمایی، فیروز دولت‌آبادی استاد دانشگاه، امیر تاجیک مدیر سابق شبکه مستند سیما، محمد طیب مشاور بین‌الملل سینما، محمود رضا رضایی مستندساز ورزشی، علیرضا جمیع روزنامه‌نگار و منتقد سینما و... حضور دارند. بیش از ۱۲۰ اثر در بخش مستند کوتاه و بلند به این دوره از جشنواره ارسال شده بود که از لحاظ کمی رشد بیش از ۳۰ درصدی را نسبت به دوره گذشته نشان می‌داد؛ به‌طوری‌که ۲۴ مستند کوتاه و ۲۱ مستند بلند به بخش نهایی داوری راه پیدا کردند. چهاردهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم‌های ورزشی ایران ششم آذر سال جاری در سینما فلسطین آغاز و اختتامیه آن جمعه ۹ آذر برگزار می‌شود.

سینما حقیقت

«کتایون» روایتگر دریاچه بختگان



فیلم مستند «کتایون» با موضوع خشکی دریاچه بختگان در بخش مسابقه چهل‌ویکمین دوره جشنواره فیلم کوتاه تهران قرار است اکران شود. محمدناصری‌راد درباره این مستند گفت: کتایون به مهاجرت ساکنان پیرامون دریاچه بختگان به حاشیه شهر شیراز پرداخته است. در چند سال گذشته به‌دلیل برخی بی‌تدبیری‌ها، تالاب‌های استان فارس یکی پس از دیگری از بین رفته و از پربشان، کافت‌ر، طشک و بختگان جز شوره‌زار چیزی باقی‌نمانده است؛ در این مستند با نگاهی آسیب‌شناسانه به مسأله مهاجرت اجباری ساکنان سکونتگاه‌های دیرینه در جوار دریاچه بختگان پرداخته‌ایم. او با قدردانی از کتایون بذراکتن که بخشی از زندگی او در مستند کتایون به تصویر کشیده شده، گفت: این مستند به چگونگی تأمین معاش مهاجران این مناطق و آمدن به حاشیه کلاشهر شیراز و مشکلات و آسیب‌های آن پرداخته است. دریاچه بختگان دومین دریاچه بزرگ ایران و بزرگ‌ترین دریاچه مرکزی ایران و زیستگاه زمستانه پرنده‌گانی بود که از روسیه و دشت‌های سیبری به ایران مهاجرت می‌کردند. مستند کتایون به تهیه‌کنندگی رضا دانش‌پژوه، شنبه ۲۸ مهرماه ساعت ۲۰:۳۰ و دوشنبه ۲۰ مهرماه ساعت ۱۵:۰۰ در پردیس سینمایی ملت به نمایش درمی‌آید.

